

بررسی واژه حب در اصول کافی و صحیح بخاری

منیژه آغاز^۱، تهمینه پارسایی^۲

چکیده

اصول کافی و صحیح بخاری از منابع معتبر روایی شیعه و اهل سنت است که پیروان این دو مذهب در بسیاری از اصول و فروع دین اسلام، به این دو کتاب استناد می‌کنند. از آموزه‌های مهمی که در این دو کتاب، روایاتی درباره آن ذکر شده و ابوابی به آن اختصاص داده شده، محبت است. این پژوهش به تحلیل محتوای واژه حب و مشتقات آن در این دو کتاب پرداخته است. واژه‌ها و موضوعات استخراج شده از تحلیل محتوای روایات، نشان می‌دهد حب در اصول کافی با مفاهیم کلیدی عقل، دین، صفات خدا، اطاعت، تقوا، معرفت و اهل بیت ارتباطی وثیق دارد و دارای لایه‌های معنایی متعددی چون حب معبود و عبد، حب رسول خدا و اهل بیت و حب انسان‌ها و هم نوعان و مؤمنان و حب مذموم است. بیشتر حجم روایات مربوط به حب در کتاب کافی، به دوری از حب دنیا که جهالت و عجز و غوایت است اشاره دارد؛ اما در صحیح بخاری حب، تنها با ایمان و بر ارتباط دارد و بیشتر حجم روایات به لایه‌های معنایی حب می‌پردازد که حب میان عبد و معبود، حب به رسول خدا و انسان‌ها را شامل می‌شود، اما اشاره‌ای به حب اهل بیت نشده است.

واژگان کلیدی

اصول کافی، تحلیل محتوا، ایمان، حب، روایات، صحیح بخاری.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج (نویسنده مسئول)

❖ مقدمه

یکی از روش‌های کارآمد علمی، روش تحلیل محتواست که در آن با چینش جملات اهل بیت علیهم السلام درباره موضوعی می‌توان دیدگاهشان را در آن مورد بیان داشت. از جمله مباحثی که بررسی آن بین اهل تسنن و شیعه حائز اهمیت است، مبحث محبت است. محبت از جمله معارفی است که در کلام ائمه اطهار علیهم السلام و روایات پیامبر صلی الله علیه وآله، با الفاظ متعدد به چشم می‌خورد و با توجه به حب الهی و حب اهل بیت، این سؤال در ذهن مخاطب خطور می‌کند که حب، در منابع اهل سنت به چه مواردی اختصاص یافته است؟ آیا شیعه و سنی در موضوع «حب» دیدگاهی مشابه دارند؟ آیا روایات مربوط به حب، بین اهل سنت و اهل شیعه جهت‌گیری‌های متفاوتی دارد؟

بنابراین در این مقاله، روی ماده حب تمرکز یافته و با نگاهی کلی به منطق حاکم بر مجموعه روایات معصومین و تحلیل محتوای آنها، به بازسازی یک سامانه کامل از نگاه روایات در رابطه با حب و جایگاه آن در منابع روایی شیعه و سنی پرداخته و روایت، با در نظر گرفتن اعتبار راوی، از نظر صحت و سقم بررسی و تبیین می‌شود. احادیث مطرح شده در این مقاله از حیث موضوع اصلی، جهت‌گیری و نقطه تمرکز مورد بررسی قرار گرفته و از لحاظ کیفی تا حد امکان تحلیل شده است.

در بعضی از روایات در کنار واژه حب، واژه بغض به کار رفته، در بعضی واژه دین و گاه واژه ایمان بکار رفته است که در واقع، این روایات در مقام بیان عینیت حب و بغض و دین و ایمان است؛ زیرا دوستی هر چیزی ملازم است با دشمن داشتن ضد آن. لازمه دوستی خدا، ایمان و محبت به پیامبر و اهل بیت اوست و هر محبتی که پیوند با آنها داشته باشد محبت واقعی است. آنچه در این روایات اهمیت دارد، جهت حب است که باید جهت‌گیری الهی داشته و بدون آن امیدی به رستگاری نیست. نقش والای چنین حبی در تربیت انسان انکارناپذیر است زیرا حب الهی در همه شئون زندگی از جمله شخصیت، رفتار و خلق و خوی انسان تأثیرات بسیار دارد.

در اصول کافی تعداد زیادی روایت به حب دنیا اشاره دارد که خطرناک‌ترین نوع حب است و تصویر کاملی از این حب و خطرات آن برای انسان را ترسیم می‌کند درحالی‌که در صحیح بخاری تنها در دو روایت به این موضوع پرداخته شده است.

در این مقاله به انواع دیگری از حب، مثل حب به مساکین، حب به انصار هم اشاره شده و مورد بررسی قرار گرفته است. از آن‌جهت که این پژوهش روی واژه «حب» متمرکز است سعی شده متن عربی روایات ذکر و ترجمه آنها نیز بیان شود تا احادیث، بهتر تبیین و تشریح شود.

پیشینه پژوهش

با بررسی‌های به عمل آمده در کتب و مقالاتی که در زمینه محبت نوشته شده است به این نتیجه رسیدیم که عده‌ای به این واژه از زاویه عرفان، عده‌ای از زاویه اخلاقی و احساسی و عده قلیلی هم با روش تحلیل محتوا در روایات به واژه حب پرداخته‌اند. این مقاله نیز با روش تحلیل محتوا بر واژه حب و مشتقات آن در روایات به نگارش درآمده و به بررسی حب در دو منبع مهم روایی اهل تشیع و اهل تسنن می‌پردازد. این مقاله دایره معنایی واژه حب و مصادیق آن را از نگاه روایات اهل تسنن و شیعه بررسی نموده و به اعتبارسنجی احادیث در این دو کتاب می‌پردازد.

روش پژوهش

روش این پژوهش به شیوه توصیفی و تحلیل محتوا و بهره‌مندی از منابع کتابخانه‌ای انجام گرفته است که به بررسی ماهیت و محتوای احادیث می‌پردازد.

روش تحلیل محتوا عبارت است از قراردادن اجزای یک متن (کلمات، جملات و پاراگراف‌ها برحسب واحدهایی که انتخاب می‌شوند) در مقولاتی از پیش تعیین شده‌اند. در این روش، احادیث از نظر موضوع اصلی، جهت‌گیری و نقطه تمرکز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

احادیثی را که در آنها واژه حب یا مشتقاتش بکار رفته، از اصول کافی و صحیح بخاری استخراج و به تحلیل محتوای کیفی آنها می‌پردازیم.

روش کلینی و بخاری در بیان اسناد احادیث کافی و صحیح

قبل از آنکه به بررسی روایات حب و مشتقات آن در کتاب کافی و بخاری بپردازیم به صورت اجمال، روش کلینی و بخاری در بیان اسناد احادیث در این دو کتاب را بررسی می‌کنیم. کلینی در بیان اسناد احادیث کافی، به این موارد توجه ویژه نموده: تعریف رجال سند، استفاده از طرق متعدد در نقل یک روایت، نقل از رجال متعدد یک طبقه سند، اختصار سند و احاله آن به اسناد سابق، نقل حدیث از غیر معصوم برای اتمام فایده، اضممار، ارسال، تعلیق، وقف و... از اموری است که در کتاب کافی به چشم می‌خورد (حسین فقیهی، ۱۳۸۴: ۶۴).

بخاری برای انتخاب حدیث صحیح، معیاری داشته که به «شرط بخاری» معروف شد. بر طبق این شرط، او حدیثی را صحیح می‌داند که محدثان بزرگ نسبت به وثاقت فرد فرد سلسله راویان آن تا یک صحابی مشهور، اتفاق نظر داشته و سند آن متصل و غیرمقطوع باشد که البته در بسیاری از احادیث بخاری این شرط رعایت نشده است (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۴: ۷).

مقایسه راویان احادیث در دو کتاب کافی و صحیح بخاری

در کتاب کافی روایات مربوط به حب، در بخش دوم کتاب (فروع کافی) باب ایمان و کفر گنجانده شده که از ۱۱۸ روایت، ۵۹ روایت از امام صادق علیه‌السلام، ۱۸ روایت از پیامبر اکرم صلوات‌الله علیه، ۱۴ روایت از امیرالمؤمنین علیه‌السلام، ۱۳ روایت از امام باقر علیه‌السلام، ۴ روایت از امام رضا علیه‌السلام، ۲ روایت از امام سجاد علیه‌السلام، ۲ روایت از امام حسن عسکری علیه‌السلام، ۲ روایت از امام سجاد علیه‌السلام، ۲ روایت از امام حسین علیه‌السلام، ۱ روایت از امام جواد علیه‌السلام و سه روایت از حضرت موسی علیه‌السلام نقل شده است.

در کتاب صحیح بخاری ۲۲ روایت در مورد حب، مطرح شده که به صورت پراکنده در کتاب آمده و تمام این احادیث از پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله نقل گردیده و راویان آن هم اغلب یا عایشه یا ابوهریره است.

مفهوم‌شناسی حب و مشتقات آن در روایات کافی

حب از واژگان اساسی و کلیدی است که در روایات و آموزه‌های شیعه بسیار کاربرد داشته و گاهی از آن به عنوان اساس دین یاد شده است. اصول کافی به عنوان یکی از برترین منابع روایی شیعه، روایات زیادی دارد که به واژه حب و مشتقات آن می‌پردازد.

کلمه حب و مشتقات آن حدود ۱۱۸ مرتبه در اصول کافی استعمال شده و باید در یک تحلیل محتوا بررسی شود که حب در اصول کافی با چه واژگانی مرتبط و چه معنایی دارد. در این کتاب اولین نکته‌ای که نظر مخاطب را جلب می‌کند این است که از نگاه روایات، حب مسئله‌ای کاملاً عقلانی است و در چارچوب عقل قرار می‌گیرد و محبوب و مذموم بودن آن، تنها در سایه جهت‌گیری آن است که اگر جهتی الهی داشته باشد ممدوح است و اگر خلاف آن جهت باشد مذموم. اینک به بررسی حب و واژگان مرتبط به آن در بافت زبانی روایات کافی می‌پردازیم.

ارتباط حب و قدرت خداوند در بافت زبانی روایات

از منظر آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام، حب نشانه‌ای از قدرت خداوند در وجود انسان است. روایتی از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که فرمودند: «وَقَدْ سَأَلَهُ ابْنُ أَبِي الْعَوَّاءِ: وَكَيْفَ احْتَجَبَ عَنْهُمْ وَأَرْسَلَ إِلَيْهِمُ الرَّسُولُ؟ وَيَلِكَ وَكَيْفَ احْتَجَبَ عَنْكَ مَنْ أَرَاكَ قُدْرَتَهُ فِي نَفْسِكَ؟ نُشِوءَكَ وَلَمْ تَكُنْ وَكَبِيرَكَ بَعْدَ صِغَرِكَ وَقُوَّتَكَ بَعْدَ ضَعْفِكَ وَضَعْفَكَ بَعْدَ قُوَّتِكَ وَسُقْمَكَ بَعْدَ صِحَّتِكَ وَصِحَّتَكَ بَعْدَ سُقْمِكَ وَرِضَاكَ بَعْدَ غَضَبِكَ وَغَضَبَكَ بَعْدَ رِضَاكَ وَحُزْنَكَ بَعْدَ فَرَحِكَ وَفَرَحَكَ بَعْدَ حُزْنِكَ وَحُبَّكَ بَعْدَ بُغْضِكَ وَبُغْضَكَ بَعْدَ حُبِّكَ ... (کلینی، ج ۱، ۷۵:۱۳۹۴).

شناسنامه حدیث: راوی: محمد بن علی ماجیلویه، محمد بن ابی القاسم، محمد بن علی کوفی ... محدث: کلینی حدیث متواتر (حدیث متواتر حدیثی است که شمار روایان آن در هر طبقه زمانی به حدی است که احتمال جعل حدیث تقریباً غیرممکن است).

آیات مرتبط به این روایت: بقره/۲۵۵، ذاریات/۲۱

ترجمه: امام صادق علیه السلام در پاسخ ابن ابی العوجاء که پرسید: چرا خدا خود را از مردم در پرده داشت و آنگاه پیامبران را سویشان فرستاد؟ فرمود:

وای بر تو! چگونه از تو پنهان گردیده است آن که قدرتش را در وجود خودت به تو نشان داده است؟ خلقت را پس از آنکه نبودی و بزرگیات را پس از کوچکیت، قوت را پس از ضعف و ضعف را پس از قوت، مرضت را پس از سلامتیت و سلامتیت را پس از مرضت، رضایت را پس از خشم و خشم را پس از خوشحالی و خوشحالی را پس از اندوه، محبت را پس از عداوت و عداوت را پس از محبت به تو نشان داد.

ابن ابی العوجاء می‌گوید که حضرت پیوسته مظاهر قدرت خدا را که در وجود من است و من نمی‌توانم منکرشان شوم برآیم برمی‌شمرم نا جایی که خیال کردم به‌زودی خداوند میان من و او ظاهر خواهد شد.

ابن ابی العوجاء از زندیق بوده و امام صادق علیه السلام بارها با او در رابطه با وجود خدا به مباحثه پرداختند.

امام رضا علیه السلام نیز در پاسخ به پرسش زندیقی از علت در پرده بودن خدا فرمود: در پرده بودن او از خلق به علت کثرت گناهان ایشان است (شیخ صدوق، ۱۳۹۴: ۲۵۲).

ارتباط دین، ایمان و حب در بافت زبانی روایات

در اهمیت حب همین بس که تمام دین، حب دانسته شده است. امام باقر علیه السلام در این رابطه می‌فرماید: «وَهَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ؟» و سپس قسمت‌هایی از آیات قرآن را تلاوت نمودند: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى حَبَّ الْإِيمَانِ وَزِينَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَقَالَ إِنَّ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحِبُّكُمْ اللَّهُ وَقَالَ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرُوا إِلَيْهِمْ^۱ (کلینی، ج ۱، ۱۳۹۴: ۴۵).

۱. و آیا دین، چیزی جز محبت است؟ فرمودند: خداوند متعال ایمان را محبوب شما قرار داد و آن را در دل‌های شما زینت بخشید و فرمود: اگر خدا را دوست می‌دارید مرا پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و فرمود: کسانی که هجرت کردند به سوی آنها را دوست دارند.

شناسنامه حدیث: راوی: فضیل بن یسار، محدث: کلینی، حدیث صحیح (حدیثی است که سند آن توسط راویان عادل و امامی در تمام طبقات به معصوم متصل باشد).

از نگاه این روایت، دین چیزی به غیر از حب نمی‌تواند باشد. موضوع اصلی این روایت، دین است که جهت‌گیری و نقطه تمرکز آن روی واژه حب است. علت اینکه این روایت، دین را چیزی جز حب نمی‌داند این است که خداوند ایمان را برای انسان محبوب و دوست‌داشتنی قرار داده است.

در روایتی دیگر از فضیل بن یسار نقل شده که امام صادق علیه‌السلام ایمان را همان حب معرفی کرده‌اند: «سَأَلْتُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْحُبِّ وَالْبُغْضِ: قَالَ مَنْ أَحَبَّ لِلَّهِ وَأَبْغَضَ لِلَّهِ وَأَعْطَى لِلَّهِ فَهُوَ مِمَّنْ كَمَلَ إِيْمَانُهُ» (کلینی، ج ۲، ۱۳۹۴: ۱۲۴).

شناسنامه حدیث: راوی: فضیل بن یسار، محدث: کلینی، حدیث صحیح.

شرح حدیث: با توجه به این روایات می‌توان بیان داشت ایمان نقش مهمی در تبیین واژه محبت ایفا می‌کند زیرا همنشینی ایمان با حب در بافت زبانی روایات و آیات قرآن نشان می‌دهد تنها مؤمنان در درجات برتر می‌توانند به شناخت کاملی از صفات الهی رسیده و در نتیجه محبت خدا را به همراه داشته باشند. بنابراین بر اساس همنشینی و رابطه‌ای که واژه محبت، ایمان و عقل در روایات فوق دارند می‌توان گفت که ایمان انسان مؤمن با آگاهی از حقایق دین تقویت می‌شود و مطمئن‌ترین دست‌آویز ایمان، حب در راه خدا و بغض در راه اوست.

غزالی در شرح این حدیث به این نکته اشاره می‌کند که می‌توان نتیجه گرفت لازم است انسان دشمنانی داشته باشد که در راه خدا به آنان بغض ورزد و دوستانی که در راه خدا آنان را دوست بدارد (غزالی، ج ۲: ۱۷۴).

در قرآن نیز به این نکته صراحتاً اشاره شده است: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ (آیه ۳۱ / آل عمران).

۱. سؤال کردم از اباعبدالله در مورد حب و بغض، ایشان فرمودند: هرکس برای خدا دوست بدارد و برای خدا دشمن بدارد و برای خدا عطا کند پس او از کسانی است که ایمانش کامل شد.

این آیه نه تنها دوستی پیامبر را شرط دوستی خدا می‌داند، بلکه پیروی از آن حضرت را ملاک صدق دوستی خداوند معرفی می‌کند.

جهت‌گیری حب در بافت زبانی روایات

در آموزه‌های دینی شیعه، برای حب جهتی تعیین شده که اگر در آن جهت واقع شود انسان را به سعادت و خوشبختی می‌رساند. جهت حب در انسان باید جهتی الهی داشته باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ فَعَلْتُمُوهُ تَبَاعَدَ الشَّيْطَانُ مِنْكُمْ كَمَا تَبَاعَدَ الْمَشْرِقُ مِنَ الْمَغْرِبِ؟ قَالُوا: أَلَصُّومُ يُسَوِّدُ وَجْهَهُ وَالصَّدَقَةُ تَكْسِرُ ظَهْرَهُ وَالْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْمَوَازِرَةُ عَلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ يَقَطَعُ دَابِرَهُ» (کلینی، ج ۴، ۱۳۹۴: ۱۵۸).

شناسنامه حدیث: راوی: علی بن ابراهیم، محدث: کلینی، حدیث صحیح

شرح روایت: از نگاه مجلسی، اگر حب در جهت رضایت الهی قرار گیرد، شیطان را از انسان دور ساخته و ریشه او را قطع می‌کند و سعادت ابدی را برای انسان رقم می‌زند. زمانی که حب در جهت رضایت الهی است نیت و اعمال و همه حرکات انسان هماهنگ با رضایت خداست که این مسئله انسان را به قرب الهی می‌رساند (مجلسی، ج ۱، ۱۳۸۷: ۵۶۷).

در روایتی حضرت موسی از برآورده نشدن حاجت انسانی که به سجده رفته و در برابر خدا زاری می‌کند در شگفت است و علت آن را از خدا سؤال می‌کند. خداوند در پاسخ می‌فرماید: تا زمانی که محبت و حب او در جهت حب من قرار نگیرد پاسخ او را نخواهم داد. «لَوْ كَانَتْ حَاجَتُكَ بِيَدِي لَقَضَيْتُهَا لَكَ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِ يَا مُوسَى لَوْ سَجَدَ حَتَّى يَنْقَطِعَ عَنْقُهُ مَا قَبِلْتَهُ حَتَّى يَتَحَوَّلَ عَمَّا أَكْرَهُ إِلَيَّ مَا أَحَبُّ» (کلینی، ج ۸، ۱۳۹۴: ۱۳۵).

۱. آیا شمارا از چیزی خبر ندهم که اگر به آن عمل کنید شیطان از شما دور می‌شود چندان که مشرق از مغرب دوراست؟ عرض کردند چرا فرمودند: روزه روی شیطان را سیاه می‌کند، صدقه پشت او را می‌شکند، دوست داشتن برای خدا و همیاری در کار نیک ریشه او را می‌کند.

۲. (خداوند به موسی فرمود) اگر چندان سجده کند که گردشش بشکند خواهشش را نپذیرم مگر اینکه از آنچه من ناخوش دارم دست کشیده به آنچه من دوست دارم روی آورد.

شرح حدیث: مهم‌ترین نکته در روایت، این است که اگر انسان از گناه پرهیز کند، آن وقت خیرات الهی و معنوی به سمت او سرازیر می‌شود. اما کسی که دچار گناه است ولو مکرر در حال دعا هم باشد نمی‌گذارد رحمت الهی او را فرا گیرد.

این روایت، اساس رابطه را حب می‌داند نه خوف. از نگاه آموزه‌های روایی، اساس هستی بر پایه محبت است اما این محبت لایه‌های معنایی متعددی دارد که باید آنها را در نظر داشت. از نگاه روایات شیعه سه لایه معنایی را می‌توان برای محبت در نظر گرفت.

حب بین خدا و انسان

خداوند محبت را از لطایفی می‌داند که در آفرینش به انسان عطا کرده است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «فَالْحَبُّ طِينَةُ الْمُؤْمِنِينَ الَّتِي أَلْقَى اللَّهُ عَلَيْهَا مَحَبَّتَهُ وَالنُّوَى طِينَةُ الْكَافِرِينَ الَّذِينَ تَأَوُّوا عَنْ كُلِّ خَيْرٍ»^۱ (کلینی، ج ۲، ۴۵:۱۳۹۴).

شناسنامه حدیث: راوی: علی بن محمد، محدث: کلینی، حدیث صحیح.

شرح روایت: در اینجا مقصود از دانه (حَبِّ) طینت مومنین است که خدا محبت خود را بر آنها القا نمود و مقصود از هسته (نُوی) طینت کافر است که از هر خیری دور گشتند. پس آغازگر محبت بین عبد و معبود در آفرینش، خداوند است و آنچه سبب محبت خدا در دل آدمی می‌شود معرفت به کمال و زیبایی اوست.

این روایت مطابقت دارد با آیه (۹۵/ انعام) آنجا که خداوند می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنُّوَى»

براین اساس، مؤمن کسی است که به‌واسطه محبت خدا استعدادهای نهفته در وجود خود را بالفعل نموده است در حالی که این استعدادها در کافر بالقوه بوده و فاقد روح انسانی است. حضرت آیت‌الله جوادی آملی می‌فرماید: در اینکه خداوند مثلاً متوکلان را دوست دارد، این دوست داشتن در حقیقت به دلیل توکلی است که محبوب خداست و متوکل هم به‌واسطه

۱. دانه، سرشت مومن است که خدا دوستی خود را در آن افکنده و هسته، سرشت کافر است که از هر خیری به دور است.

توکلی که دارد محبوب خدا قرار می‌گیرد. اگر چنین شد و خدا نسبت به انسانی محبت داشت همه نظام آفرینش به او مهر می‌ورزند چراکه همه آنها تابع اراده الهی هستند. این مقام از برجسته‌ترین مقام‌های انسانی است. خداوند محبوب کسی باشد مهم نیست، مهم این است که انسان محبوب خدا شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱۲: ۲۵۴).

مصدق برتر این لایه از حب، حدیث مشهور «رأیت» است که از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در خصوص رشادت امیرالمؤمنین بیان شده که به بخشی از آن اشاره می‌کنیم: «لَأَعْطِينَ الرَّأْيَةَ عَدَاً رَجُلًا يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ كَرَارًا غَيْرَ فَرَارٍ لَا يَرْجِعُ حَتَّى يَفْتَحَ اللَّهُ عَلَيَّ يَدِيهِ» (کلینی، ج ۸، ۱۳۹۴: ۳۵۱).

شناسنامه حدیث: حدیث رأیت، موضوع: افضلیت امیرالمؤمنین بر سایر صحابه، به نقل از پیامبر اکرم، راویان: ابورافع، عمر بن خطاب، عایشه، انس بن مالک، جابر بن عبدالله انصاری، عبدالله بن عباس (اعتبارسند: متواتر).

شرح روایت: این روایت به غیر از منابع شیعه که به تواتر بیان شده در برخی منابع اهل سنت نیز با کمی تفاوت نقل شده است. این روایت در صحیح بخاری به صورت ناقص و تنها بخشی از آن نقل شده که بر اساس نقل بخاری، وقایع قبل از آن مشخص نیست.

بر اساس عقیده غالب اهل سنت و تمام شیعیان، این روایت بر فضیلت علی بن ابی طالب اشاره دارد اما اهل سنت این فضیلت را در امامت امیرالمؤمنین نمی‌پذیرد.

معتزله معتقدند که خدا نه دوست می‌دارد و نه دوست داشته می‌شود. به نظر آنان متعلق هر حبی، امری مادی است و از این‌رو، نمی‌توان حب انسان را به خدا در معنای حقیقی آن تصور کرد. آنان نصوص موجود درباره حب میان بنده و خدا را تأویل می‌کنند و عقیده دارند مقصود از حب بندگان به خدا، دوست داشتن طاعت و عبادت او و فزونی اعمال نیک برای

۱. فردا این پرچم را به مردی خواهیم داد که خدا و رسول او را دوست دارد و خدا و رسول هم او را دوست دارند. خبیر را به دست او می‌گشاید، او هرگز نمی‌گریزد و تا پیروز نشود بر نمی‌گردد.

رسیدن به ثواب است و منظور از حب خدا به بندگان، احسان او به ایشان، مدح و اعطای ثواب به آنان و اراده این امور از سوی خداست (غزالی، ج ۴، ۳۱۳).

حب انسان و اهل بیت

لایه دوم محبت، حب اهل بیت علیهم السلام است که در جهت حب الهیست: «مَنْ عَرَفَ حَقَّنَا وَأَحَبَّنَا فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى» (کلینی، ج ۸، ۱۳۹۴: ۱۲۸).

شرح روایت: در این روایت که از امام صادق علیه السلام نقل شده، حب اهل بیت با حب خدا هم‌نشین شده است. این هم‌نشینی نشان می‌دهد محبت اهل بیت در راستای محبت خداست. نکته مهم اینجاست که روایت، حب اهل بیت را مقدم بر حب پروردگار کرده و این بدان معناست که برای پرورش محبت پروردگار در وجود عبد باید از اهل بیت پیروی کرد زیرا اهل بیت مظهر اسماء الله بر زمین هستند. با دقت در عبارت «فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ» متوجه می‌شویم تأکید نیز به کاررفته، یعنی اینچنین شخصی قطعاً خداوند را دوست می‌دارد.

در روایتی دیگر از پیامبر اکرم حب اهل بیت، اساس اسلام دانسته شده است: «لِكُلِّ أَساسِ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (کلینی، ج ۲، ۱۳۹۴: ۴۶).

در روایتی از امام باقر علیه السلام فراتر از این موضوع بیان نموده و حب اهل بیت را ایمان دانسته است: «حُبُّنَا إِيمَانٌ وَبُغْضُنَا كُفْرٌ» (کلینی، ج ۱، ۱۳۹۴: ۱۸۸).

در روایتی دیگر از امام باقر علیه السلام اساس حب اهل بیت، تقوا و اطاعت معرفی شده و تأکید دارند که بدون تقوای الهی و اطاعت خدا، حب اهل بیت معنا و مفهومی ندارد: «عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ لِي يَا جَابِرُ أَيَكْتَفِي مَنْ انْتَحَلَ التَّشْبِيحَ أَنْ يَقُولَ بِحُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؟ فَوَاللَّهِ مَا شِيعَتْنَا إِلَّا مَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَأَطَاعَهُ» (کلینی، ج ۲، ۱۳۹۴: ۲).

شناسنامه حدیث: راوی: ابوعلی اشعری، محدث: کلینی، حدیث صحیح.

۱. هرکس حق ما را بشناسد و ما را دوست بدارد پس به راستی که خداوند تبارک و تعالی را دوست داشته است.
۲. هر چیزی را پایه و اساسی است و اساس اسلام حب و دوستی نسبت به ما اهل بیت است.
۳. آیا کسی که خودش را به شیعه نسبت می‌دهد همین مقدار که اظهار دوستی با ما اهل بیت را کند، برایش کافی است؟ به خدا قسم شیعه ما نیست، مگر کسی که تقوای خداپیشه کند و فرمانبردار او باشد.

محبت و مودت اهل بیت پیامبر زمینه‌ساز برخورداری انسان از آمرزش و لطف الهی است، همچنان‌که خداوند می‌فرماید: «قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ» (سوره شورا، آیه ۲۳) باتوجه به اینکه جمله «ان‌الله غفورشکور» پس از موضوع محبت اهل بیت علیهم‌السلام ذکرشده، مطلب مزبور را می‌توان برداشت کرد (طباطبایی، ۱۳۸۰، ج ۱۸: ۵۹).

حب انسان و انسان

پس از حب به خدا و اهل بیت که حبشان همان حب الهی است، حب انسان‌ها به یکدیگر نیز مطرح است و در حب به انسان‌ها و ممنوعان، اولویت‌هایی در روایات شیعه دیده می‌شود. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ بِحُبِّ الْمَسَاكِينِ الْمُسْلِمِينَ فَإِنَّهُ مَنْ حَقَّرَهُمْ وَتَكَبَّرَ عَلَيْهِمْ فَقَدْ زَلَّ عَنِ دِينِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَهُ حَاقَّةٌ مَاقَتْ وَقَدْ قَالَ أَبُو نَا رَسُولَ اللَّهِ أَمَرَنِي رَبِّي بِحُبِّ الْمَسَاكِينِ الْمُسْلِمِينَ مِنْهُمْ.»^۲ (کلینی، ج ۸، ۱۳۹۴: ۴۳).

شناسنامه حدیث: راوی: اسماعیل بن جابر، محدث: کلینی، حدیث صحیح

در آموزه‌های شیعه حق مسلم مسلمانان مسکین است که دیگران آن‌ها را دوست داشته و به آن‌ها مهر و محبت بورزند. آنچه در باب حب به مسکین باید رعایت شود این است که این حب باید در راستای رضای خدا باشد نه انگیزه‌ای دیگر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. بگو: من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم (اهل بیتم). و هرکه کار نیکو انجام دهد ما نیز بر نیکویش بیفزاییم که خدا بسیار آمرزنده و پذیرنده شکر بندگان است.
۲. مسکینان را دوست بدارید که هرکس آنان را حقیر شمارد و بر آنان فخر بفروشد از دین خدا لغزیده است و خدا او را حقیر می‌کند و دشمنش می‌دارد. پیامبر خدا فرمود: پروردگرم به من امر کرد تا مسکینان را دوست بدارم.

حب مذموم

با تمام ارزشی که حب در شیعه دارد، نوعی از محبت وجود دارد که بسیار مذموم و ناپسند بوده و بیشتر حجم روایات اصول کافی به این نوع از حب اختصاص یافته است. این حب در تعبیر امام صادق علیه السلام، حب دنیا است که منشأ مفاسد و خطاها دانسته شده: «اعلم ان كل فتنه بدوها حب الدنيا» (کلینی، ج ۲، ۱۳۹۴: ۱۳۶).

یا در روایتی دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «حب الدنيا رأس كل خطيئة» (همان، ۱۳۹۴: ۳۱۸).

حب دنیا به اندازه‌ای خطرناک است که امام صادق علیه السلام می فرماید: دیگر دوستدار دنیا محبوب الهی نیست. «والله ما أحب الله من أحب الدنيا» (کلینی، ج ۲، ۱۳۹۴: ۱۳۷).

شناسنامه حدیث: راوی: حفص بن غیاث، محدث: کلینی، حدیث صحیح
شرح روایت: نکته مهمی که باید متذکر شد این است که مذموم یا محبوب بودن حب، تنها در سایه جهت گیری آن است که حتماً باید جهت الهی داشته باشد. در نتیجه به طور مطلق نمی توان گفت که دنیا منفور است. زیرا دنیا راه رسیدن به بهشت و جوار الهی است. آنچه مذموم است آن دنیایی است که انسان را از کسب کمالات و تحصیل آخرت بازدارد و او را به هلاکت اندازد و گرنه وسیله رسیدن به سعادت، همین دنیا است (بحار الانوار، ج ۷۰، ۱۳۱۵: ۶۳).
حضرت علی علیه السلام می فرماید: «دنیا چه سرای نیکویی است و چه جایگاه خوبی است برای کسی که آن را خانه همیشگی خود نداند و چه جایگاه خوبی است برای کسی که آن را وطن خود قرار ندهد» (نهج البلاغه، خطبه ۳۲۶).

مفهوم شناسی حب در روایات صحیح بخاری

در صحیح بخاری واژه حب تنها در ۲۲ روایت استفاده شده است.

۱. بدان که بدر هرگمراهی و فتنه‌ای را دنیا دوستی افشانده است.

۲. دنیا دوستی سرچشمه هرگناهی است.

۳. به خدا قسم کسی که دنیا را دوست دارد خدا را دوست ندارد (دنیادوستی با خدا دوستی جمع نمی شود).

در صحیح بخاری به مباحث زیربنایی حب توجهی نشده، هیچ اشاره‌ای به اهمیت حب اهل بیت نداشته و در مورد حب مذموم فقط دو روایت مطرح نموده که آن هم مذموم بودن حب دنیا را در زمان پیری بیان می‌کند.

در روایات صحیح بخاری نیز مانند روایات کافی ارتباط حب با برخی واژگان و کلمات، سبب شده که لایه‌های معنایی مختلفی از کلمه حب ایجاد کند که در ذیل به آنها می‌پردازیم.

ارتباط حب خدا با مخلوقات دریافت زبانی روایات

بیشترین کاربرد این واژه در صحیح بخاری، تمایل و جذب دو چیز به یکدیگر و دوستی کردن است. به عبارتی، لایه‌های معنایی محبت در صحیح بخاری پررنگ است که از آن میان، جریان محبت پروردگار به عبد و عبد به خدا اهمیت ویژه‌ای دارد.

هفت روایت از آن، از اموری سخن می‌گویند که محبوب خداوند است و خدا به آنها حب می‌ورزد. حب خداوند به بندگان از مواردی است که در روایات به آن اشاره شده است.

در روایتی از رسول خدا آمده است: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا دَعَا جِبْرِيلَ ثُمَّ يُنَادِي فِي السَّمَاءِ فَيَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ فُلَانًا فَأَحِبُّوهُ، فَيُحِبُّهُ أَهْلُ السَّمَاءِ، ثُمَّ يُوَضَّعُ لَهُ الْقَبُولُ فِي الْأَرْضِ» (بخاری، ج ۳، ۱۳۹۳:۳۲۰۹).

شناسنامه حدیث: راوی: ابوهریره، محدث: بخاری، حدیث صحیح

شرح حدیث: این حدیث در تمام کتب معتبر اهل سنت به ویژه در صحیح مسلم و بخاری بیان شده و متفق‌القول این روایت را صحیح می‌دانند. نقطه تمرکز روایت روی حب خداوند نسبت به برخی بندگان است که اگر این حب به انسانی تعلق بگیرد آن انسان محبوب اهل آسمان و زمین می‌شود. این از نشانه‌های محبت خداست که این بنده نزد مردم مورد قبول

۱. هرگاه خدا بنده‌ای را دوست بدارد جبرئیل را فرا می‌خواند و می‌گوید: من فلانی را دوست دارم تو نیز او را دوست بدار. پس جبرئیل او را دوست می‌دارد، سپس در میان اهل آسمان ندا می‌دهد و می‌گوید: خدا فلانی را دوست دارد شما هم دوستش بدارید پس اهل آسمان نیز او را دوست می‌دارند و آنگاه محبوب اهل زمین هم می‌گردند.

قرارگرفته و محبوب آنها می‌شود و چون خدا بنده‌ای را دشمن بدارد اهل آسمان نیز از آن شخص بیزار می‌شوند و آنگاه نفرت او در زمین منتشرشده و منفور اهل زمین می‌گردد.

در روایتی دیگر، حب دوسویه انسان و خدا به تصویر کشیده شده از عایشه نقل شده که پیامبر اکرم فرمودند: «مَنْ أَحَبَّ لِقَاءَ اللَّهِ أَحَبَّ اللَّهُ لِقَاءَهُ وَمَنْ كَرِهَ لِقَاءَ اللَّهِ كَرِهَ اللَّهُ لِقَاءَهُ» (بخاری، ج ۴، ۱۳۹۳: ۵۸۴).

پس اگر انسانی دیدار خدا را دوست دارد خدا نیز دیدار او را دوست دارد. نقطه تمرکز روایت، روی حب دوسویه است که انسان باید دیدار الهی را دوست بدارد تا محبوب واقع شود.

در روایتی بسیار زیبا بیان شده که محبوب‌ترین عمل نزد خداوند واجبات الهی است بخصوص زمانی که بنده با نوافل به سوی خدا می‌رود و اعلام دوستی می‌نماید و خدا نیز او را دوست می‌دارد. اما آنچه در این دوستی مهم است و روایت بر آن تمرکز دارد ثمراتی است که با محبوب شدن انسان در نزد خدا ایجاد می‌شود. در این روایت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ قَالَ: مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ، وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ، وَمَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّى أُحِبَّهُ، فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ، وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ، وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا، وَرِجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا، وَإِنْ سَأَلَنِي لَأَعْطِيَنَّهُ وَلَئِنِ اسْتَعَادَنِي لَأَعِيزَنَّهُ» (بخاری، ج ۵، ۱۳۹۳: ۲۳۸۵)

شناسنامه حدیث: راوی: ابوهریره، محدث: بخاری، حدیث قدسی

۱. هرکس دوستدار دیدار خدا باشد خدا نیز او را دوست دارد و هرکس ملاقات خدا را دوست نداشته باشد، خدا نیز ملاقاتش را دوست ندارد.

۲. خدا می‌فرماید: هرکس با دوستان من دشمنی کند من با او اعلان جنگ می‌نمایم و بنده‌ام با چیزی به من نزدیک نمی‌شود که نزد من محبوب‌تر از کارهایی باشد که براو واجب کردم که با انجام نوافل به من تقرب می‌جوید تا اینکه محبوب من قرار می‌گیرد و چون مورد محبت من قرار گرفت من گوش او می‌شوم که با آن می‌شنود، چشم او می‌شوم که با آن می‌بیند، دست او می‌شوم که با آن می‌گیرد و پای او می‌شوم که با آن راه می‌رود و اگر از من طلب کند حتماً به او عطا می‌کنم و اگر پناه بخواهد حتماً او را پناه می‌دهم.

بررسی روایت: این حدیث به «قرب نوافل» معروف است که از احادیث قدسی است و در منابع معتبر شیعه و سنی نقل شده است. در منابع شیعه این حدیث را «ابان بن تغلب» به عنوان حدیث قدسی از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.

شرح روایت: این روایت به یکی از ثمرات محبت خداوند اشاره دارد و آن ثمره تکوینی محبت بر انسان است. برخلاف رابطه انسان و غیرخدا، رابطه حبی بین انسان و خدای سبحان می تواند منشأ مقامات عالیه ای شود که در تعبیر روایی از آن به مقامات تکوینی یا خداگونه شدن تعبیر شده است. در واقع خداوند در مقام فعل، مجاری ادراکی و تحریکی انسان محبوب خود می شود.

آیت الله جوادی آملی نیز به این موضوع اشاره کرده و می فرماید: «اگر کسی محبوب خدا شد، آثار خدایی در او ظهور می کند، زیرا خدای سبحان محبوب خود را رها نمی سازد» (آملی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۸).

در روایتی دیگر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مصداق اتم حب بین خدا و محبوب را به انسان ها معرفی کرده که نقطه تمرکز و جهت گیری روایت در معرفی امیرالمؤمنین است (که البته روایت به صورت تقطیع شده در این کتاب بیان گردیده است).

این روایت معروف است به حدیث «رأیت» که در روایات اصول کافی به آن اشاره شد. در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله، حب خداوند به وتر تعلق گرفته است: «لِلَّهِ تِسْعَةٌ وَتَسْعُونَ اسْمًا، مِنْهُ الْإِلَهُ وَاحِدًا، مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ وَهُوَ وَتَرٌ يُحِبُّ الْوَتَرَ.»^۱ (بخاری، ۱۳۹۳، ج ۷: ۶۰۴۷).

شناسنامه حدیث: راوی: ابوهریره، محدث: بخاری، حدیث موثق (حدیثی که به رغم برخورداری از اتصال سند به معصوم از راویان اهل سنت یا شیعه غیرامامی نقل شده باشد موثق خواهد بود)

۱. خدا ۹۹ اسم دارد، صد منهای یک، هیچ کس آنها را حفظ نمی کند (ازبر نمی کند) مگر اینکه وارد بهشت می شود و خدا فرد است و عدد فرد را دوست دارد.

بررسی و شرح حدیث: در منابع شیعه نیز این معنا از طریق امامان و به نقل از امیرالمؤمنین و ایشان هم از پیامبر صلی الله علیه وآله وارد شده است (به همین دلیل چون سند این حدیث به معصوم قطعیت دارد ولی اینجا از زبان راوی اهل سنت بیان شده و حدیث موثق به شمار می‌رود).

شیخ صدوق می‌گوید منظور از «احصاء» شمارش کردن آنها نیست، بلکه به این معناست که انسان به آنها احاطه پیدا کرده و معانی این صفات را درک کند (شیخ صدوق، ۱۳۹۴: ۱۹۵).

نقطه تمرکز این روایت روی مسئله یگانگی خدا و توحید است (خدا واحد و یگانه است و فرد بودن در اعمال و عبادات را دوست دارد).

آیات مرتبط به این روایت: سوره اعراف/۱۸۰، سوره اسراء/۱۱۰، سوره طه/۸، سوره حشر/۲۴.

ارتباط حب و ایمان در یافت زبانی روایات

در روایاتی هم ایمان و حب هم‌نشین شده‌اند. پیامبر در این روایت، درک شیرینی ایمان را در سه مسئله می‌داند: «ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ وَجَدَ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ وَرَسُولَهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا وَأَنْ يُحِبَّ الْمَرْءَ لَا يُحِبُّهُ إِلَّا لِلَّهِ وَأَنْ يَكْرَهُ أَنْ يَعُودَ فِي الْكُفْرِ كَمَا يَكْرَهُ أَنْ يُقَدَّفَ فِي النَّارِ.»^۱ (بخاری، ۱۳۹۳، ج ۱: ۱۲).

شرح و بررسی روایت: تمرکز روایت برچشیدن شیرینی ایمان است، اما این درک و چشیدن با حب ارتباط مستقیم دارد، تنها کسانی ایمان برایشان شیرین است که خدا و رسولش را بیش از هرچیز دوست داشته باشند و از سویی حب و دوستی آنها نسبت به دیگران تنها برای خدا باشد. پیامبر اکرم در این روایت می‌فرماید: «اگر در کسی سه خصلت باشد، حلاوت و شیرینی ایمان را درک می‌کند. اول اینکه خدا و رسولش را از همه چیز بیشتر دوست داشته باشد...» درذیل این روایت آمده وقتی که خلیفه دوم این فرمایش حضرت را شنید عرض کرد

۱. سه چیز در هرکس باشد شیرینی ایمان را چشیده است: آنکه خدا و پیامبرش را از همه دوست‌تر بدارد، دیگرآنکه کسی را برای خدا دوست بدارد و سوم آنکه از بازگشت به کفر بیزار باشد چنان‌که افتادن در آتش را دوست ندارد.

یا رسول الله من شما را به جز خودم، از هر چیزی بیشتر دوست دارم. پیامبر فرمودند: نه بلکه باید من را از خودت نیز بیشتر دوست داشته باشی تا مومن به حساب آیی. با این فرمایش پیامبر اکرم و اقرار خلیفه دوم، مشخص می‌شود که تا آن لحظه، خلیفه دوم ایمان واقعی نداشته است. شرح مفردات: (وجد حلاوة الایمان): یعنی سینه‌اش برای ایمان گشایش می‌یابد و از انجام طاعت و تحمل مشقات در راه دین لذت می‌برد.

(لایحبه الله): یعنی محبتش به خاطر غرض دنیوی نیست، بلکه به خاطر خدا دوست می‌دارد.

آیه مرتبط به این روایت: «أَتَمَّا وَلَكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ...»^۱ (مائده/۵۶، ۵۵).

شناسنامه حدیث: راوی: انس بن مالک، محدث: بخاری، حدیث صحیح

در روایتی دیگر از پیامبر اکرم، انسان مومن کسی معرفی شده که آنچه برای خود می‌پسندد برای برادر دینی‌اش هم دوست داشته باشد: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ»^۲ (بخاری، ۱۳۹۳، ج ۱: ۱۴).

در دومورد، حب انصار نقطه تمرکز و جهت‌گیری روایت است از پیامبر اکرم نقل شده که ایشان نشانه ایمان را حب به انصار دانسته است: «آيَةُ الْإِيمَانِ حُبُّ الْأَنْصَارِ وَآيَةُ النِّفَاقِ بُغْضُ الْأَنْصَارِ»^۳ (بخاری، ۱۳۹۳، ج ۱: ۱۲).

دوست داشتن دوستان خدا بخشی از ایمان است و نشانه‌ای از تشویق برای دوست داشتن سرپرستان رحمان، به رسمیت شناختن فضل آن‌ها و هشدار از نفرت و دشمنی آنهاست.

حب شخصی رسول خدا در بافت زبانی روایات

۱. سرپرست و ولی شما تنها خداست و پیامبر او و آن‌ها که ایمان آورده‌اند، همانا که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.

۲. ایمان هیچ یک از شما کامل نمی‌شود تا هنگامی که آنچه را برای خود می‌پسندد برای برادر مسلمانش نیز پسندد.

۳. نشانه ایمان، محبت به انصار است و نشانه نفاق بی‌زاری از انصار است.

در روایات اهل سنت، حب دیگری مطرح شده که آن، حب شخصی پیامبر است. ایشان دوست دارند بنده شاکر خداوند باشند. پیامبر به اندازه‌ای به نماز و عبادت می‌ایستادند که پاهایشان ورم می‌کرد. زمانی که عایشه اعتراض می‌کند و می‌گوید چرا این‌گونه خود را آزار می‌دهید، ایشان می‌فرمایند: «أَفَلَا أَحِبُّ أَنْ أَكُونَ عَبْدًا شَكُورًا؟»^۱ (بخاری، ۱۳۹۳، ج ۴: ۱۸۳۰).

شناسنامه حدیث: راوی: عایشه، مغیره بن شعبه، محدث: بخاری، حدیث صحیح (متفق القول در کتب معتبر اهل سنت)

درباره حب پیامبر به اشخاص، حدیث عجیبی را بخاری مطرح کرده است. ایشان می‌گویند که بیشترین حب را پیامبر به عایشه داشته‌اند که این موضوع در دو روایت مطرح شده است. در روایتی پیامبر، حتی به حضرت زهرا می‌فرمایند: دخترم آیا کسی که من دوست دارم، دوست نداری؟ (که مراد ایشان، عایشه است) «وَكَانَ الْمُسْلِمُونَ قَدْ عَلِمُوا حُبَّ رَسُولِ اللَّهِ عَائِشَةَ. يَا بِنْتِي أَلَا تُحِبِّينَ مَا أَحِبُّ؟»^۲ (بخاری، ۱۳۹۳، ج ۳: ۱۵۶).

ظاهر روایت بیانگر بغض محدث به اهل بیت پیغمبر و بالا بردن مقام عایشه است. شناسنامه حدیث: راوی: مغیره بن شعبه، محدث: بخاری، حدیث ضعیف (به اصطلاح اهل سنت حدیثی است که صحیح و حسن نباشد).

این حدیث دلالت بر این مسئله دارد که پیامبر بین همسرانشان رعایت عدالت نمی‌کردند و عایشه را به جهت محبتی که به او داشتند بر آنان مقدم می‌داشتند. که این امر خلاف دستور الهی و سیره پیامبر است به همین دلیل جزء احادیث ضعیف به شمار می‌آید.

حب مذموم در بافت زبانی روایات

در دو روایت هم حب دنیا مطرح شده است که فقط مذمت آن در زمان پیری است که حب آن به سراغ انسان می‌آید. روایت شده از ابوهریره که رسول اکرم می‌فرمایند: «لَا يَزَالُ قَلْبُ الْكَبِيرِ شَابًا فِي أَثْنَيْنِ: فِي حُبِّ الدُّنْيَا وَطَوْلِ الْأَمَلِ» (بخاری، ۱۳۹۳، ج ۸: ۸۹).

۱. آیا من دوست ندارم بنده ای سپاس گزار باشم؟

۲. و مسلمانان محبت رسول خدا به عایشه را شناخته بودند. دخترم آیا آنچه رامن دوست دارم دوست نداری؟

ترجمه: پیغمبر می‌فرمایند: پیوسته قلب بزرگسال در دو مورد جوان باقی می‌ماند: دوست داشتن دنیا و آرزوی طولانی.

شناسنامه حدیث: راوی: ابوهریره، محدث: بخاری، حدیث صحیح

بحث و نتیجه‌گیری

احادیث کتاب کافی با بیش از ۱۶ هزار حدیث، ضمن اینکه از احادیث صحیح بخاری بیشتر است، از لحاظ اعتبار متن و سند هم جایگاه برتری را به خود اختصاص داده است و از متقن‌ترین کتاب حدیثی تاریخ شیعه به شمار می‌آید.

«محبت» از موضوعات و مباحث مهم است که در قرآن کریم و روایات به آن پرداخته شده است و اکاوی روایات نشان می‌دهد حب در شیعه از جایگاه والایی برخوردار است که این مسئله تنها از تعداد روایات هم قابل فهم است. حدود ۱۱۸ روایت در اصول کافی وجود دارد که واژه حب در آن استفاده شده، در حالی که تنها ۲۲ روایت در صحیح بخاری از این واژه استفاده شده است. آنچه در آموزه‌ها و معارف شیعه اهمیت دارد جهت حب است که حب اهل بیت و حب به هم نوعان باید جهت‌گیری الهی داشته باشد و بدون آن نمی‌توان امید به رستگاری داشت. در آموزه‌های شیعه، حب موضوعی کلامی، دینی و اخلاقی است که با اصول دین در ارتباط است در حالی که در صحیح بخاری به مبانی حب و ارتباط آن با اساس دین کمتر اشاره شده است و فقط بین ایمان و حب رابطه برقرار شده و محبت را همان ایمان دانسته‌اند. در اصول کافی حب الله در برابر حب دنیا قرار می‌گیرد که حرکت این دو حب کاملاً عکس یکدیگر است، یکی در جهت الله و دیگری در نقطه مقابل الله حرکت می‌کند که نتیجه یکی اطاعت الله و دیگری اطاعت طاغوت خواهد بود. در طول حب الهی، حب اهل بیت به عنوان انسان‌های کامل قرار دارند که از نگاه متن روایی شیعه بدون حب اهل بیت نمی‌توان به قرب الهی رسید؛ اما در روایات صحیح بخاری مباحث زیربنایی و اصولی محبت بیان نشده به گونه‌ای که تنها ارتباط حب با ایمان و برّ را می‌توان در روایات انگشت‌شماری دید و فقط دو روایت در حب دنیا و ذم آن بیان شده است. فقط یک روایت در صحیح بخاری وجود دارد که مصداق اتم حب بین عبد و معبود را امیرالمؤمنین می‌داند؛ اما همان‌طور که گفته شد این

روایت هم به صورت ناقص و تقطیع شده بیان گردیده، ولی مرحوم کلینی، دقیق و کامل آن را گزارش نموده و آن حدیث رأیت است؛ اما روایتی نیز در صحیح بخاری وجود دارد که جای آن در اصول کافی بسیار خالیست و آن روایتی است که به اثر تکوینی حب بین خدا و بنده اشاره دارد و نشان می‌دهد خداوند متعال در مقام فعل، مجاری ادراکی و تحریکی انسان محبوب خود می‌شود.



منابع و مأخذ

قرآن کریم

ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۲۴). فتح الباری، شرح صحیح بخاری، بیروت: دارالکتب العلمیه. بخاری، محمد بن اسماعیل ابوعبدالله (۱۳۹۳). ترجمه طاهر لاوژه و صحیح بخاری، ارومیه: انتشارات حسینی اصل.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). تفسیر تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). فطرت در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء.

شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۹۴). توحید، اصفهان: قائمیه.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۰). تفسیر المیزان، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

غزالی، ابوحامد (بی تا). احیاء علوم الدین، مصر: مکتبه التجاریه الكبرى.

فقیهی، حسین (۱۳۸۴). سیری در اسناد احادیث کافی، فرهنگ کوثر، شماره ۶۴: ۱۰۷-۱۰۰.

کلینی، شیخ ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۳۹۴). الکافی، ترجمه فروع کافی، بخش ایمان و کفر، گروه مترجمان انتشارات قدس، قم: قدس.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۱۵). بحار الانوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۸). ایمان و کفر (جلد اول)، ترجمه عزیزالله عطاردی، تهران: انتشارات عطارد.

نهج البلاغه (۱۳۶۹). ترجمه سید جعفر شهیدی، انتشارات زرین و سیمین.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی